

Analysis of Surah Fil based on structuralist thought

Rouhollah Saiiady Nezhad^{*}, Fatemeh Hassankhani^{}**

Mahmood Abbasi^{*}**

Abstract

In the ideas of linguists, there is jointly an element of meaning, and what distinguishes these thoughts is the quality of discovery and extraction of those meanings.

Another group, with the belief in the coherence and closely link between literal and meaning, consider the majority of the reproduction of these meanings within itself.

According to the article's limitation, in this research work, it has been attempted to discuss the scope of the short elephant surah and in descriptive-correlation method to obtain accurate results of the research.

The components of this surah at different levels of symptoms, including consonants and influences, vocabulary and compounds, are closely related to each other, and all in the form of an interconnected collection make a general goal, and it draws two groups of right and falsehood of the power duct

Keywords: word, succession axis, coexistence axis, structural tacritique, Surah Fil

* Associate professor, Department of Arabic Language and literature, university of kashan
(Corresponding Author), saiiadi57@gmail.com

** PhD student in Arabic language and Literature, university of kashan, hassankhanii075@gmail.com

*** Student and graduate of level 4 of Qom seminary, mahmood075@gmail.com

Date received: 16/12/2021, Date of acceptance: 07/03/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تحلیل سوره فیل بر اساس اندیشه ساختارگرایان

روح الله صیادی نژاد*

فاطمه حسن خانی**، محمود عباسی***

چکیده

بر خلاف تصور عده‌ای که کشف معانی موجود در یک متن را وابسته به بررسی لایه‌های بیرونی آن می‌دانند گروه دیگر با اعتقاد به وجود انسجام و پیوند تنگاتنگ میان لفظ و معنا، قسمت عمده بازتولید این معانی را در درون خود ساختار قلمداد می‌کنند. این شیوه که با نام تحلیل ساختارگرایانه شناخته می‌شود قابل تطبیق بر سوره‌های قرآن نیز است. در این جستار برآنند با در پیش گرفتن روش توصیفی-تحلیلی به تحلیل سوره فیل بر اساس اندیشه ساختارگرایان پرداخته شود. نتایج تحقیق حاکی از آن است که غرض خداوند در تمام سوره‌های قرآن و از جمله سوره فیل، تنها از مجرای الفاظ و واژگان منتقل نمی‌شود بلکه شیوه ارتباط واژگان در یک نگاه بوطیقای خود القاء کننده اهداف خاص است. اجزای تشکیل دهنده این سوره در سطوح مختلف نشانه‌ها اعم از صامت‌ها و مصوت‌ها، واژگان و ترکیبات با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند و همگی در قالب یک مجموعه به هم پیوسته یک هدف کلی را دنبال می‌کنند و آن ترسیم عاقبت دو گروه حق و باطل از مجرای قدرت نمایی‌های دو گروه و اثبات قدرت برای یکی و نفی از دیگری است.

کلیدواژه‌ها: لفظ، محور جانشینی، محور هم نشینی، نقد ساختاری، سوره فیل

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)، saiyadi57@gmail.com

** دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان و طلبه سطح ۴ جامعه الزهرا(سلام الله علیها)،
hassankhanii075@gmail.com

*** طلبه و فارغ التحصیل سطح ۴ حوزه علمیه قم، mahmood075@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

شناسایی و کشف پیام‌های میراث ادبی، در گرو تحلیل دقیق متون است. تحلیل (analys) فرآیندی است که در آن، مطالعه و بررسی یک اثر ادبی بر اساس معیارهای مشخص صورت می‌گیرد که گونه‌های متعددی دارد؛ برخی مانند "ایلیا حاوی" با تحلیل‌های روانشناسانه و برخی مانند "رولان بارت" (Rolan bart) بر اساس نظریه «مرگ مولف» متن را از سلطه مؤلف رها می‌سازد و مورد تحلیل قرار می‌دهند (الموسی، ۲۰۱۰: ۱۷۲). گروهی دیگر همچون "رومان یاکوبسون" Roman yakobsen بر اساس نظریه تحلیل بافتی به واکاوی متون پرداخته‌اند.

در شناخت تاریخی ساختارگرایی ادبی قدیم‌ترین سند، کتاب «نظریه ادبی» ارسطو خواهد بود و اگر آن را نظریه‌ای خاص بدانیم آنگاه باید آغاز ظهور آن را در سرآغاز سده بیستم جستجو کنیم (کوبرن، ۱۳۹۰: ۳۹). دستیابی به معنای متن که در آغاز دهه قرن بیستم توسط "فردینان دو سوسور" (Ferdinan de sausur) مطرح شد با آراء متفکرانی چون کلود، لوی استروس، رولان بارت، میشل فوکو، ژرار ژنت و لوئی آلتوسر آمیخته و گسترش یافت. همانطور که ملاحظه می‌شود عنصر دلالت معنایی در اندیشه‌های این زبان‌شناسان به طور مشترک وجود دارد و آنچه باعث تمایز این اندیشه‌ها از یکدیگر می‌شود کیفیت کشف و استخراج آن معانی است. توضیح اینکه معنی‌شناسی در آغاز تولد به بررسی دگرگونی‌های معنایی، نظامها، یافته‌ها و قوانین کلی می‌پرداخت ولی از آغاز سال ۱۹۳۰ تغییر بنیادین در عرصه این علم راه یافت به گونه‌ای که پژوهشگران این رشته از معنی‌شناسی توصیفی فراتر رفتند و در برهه‌ای معین به ریشه‌شناسی واژه‌ها در بستر ساختار زبانی آن و با اسلوب ساختارگرایانه پرداختند (مرزبان، ۱۳۹۴: ۲۵).

اما آنچه در نقد ساختارگرایی بیشترین اهمیت دارد آن است که این روش نمی‌کوشد تا معانی درونی اثر را آشکار کند بلکه تلاش بر آن است تا سازه‌های یک متن را استخراج کند و با برقرار کردن ارتباط میان اجزای موجود، دلالت و معنایی که در کل کلام است را نشان دهد (نبوی، ۱۳۸۴: ۱۷۳ و جهانگللو، ۱۳۸۴: ۵۰)؛ به عبارت ساده‌تر این شیوه تحلیل فقط شامل رویدادها و واژگان به تنهایی نیست؛ بلکه در برگیرنده رابطه‌ای است که بین آن رویدادها یا واژگان است. بی‌مناسبت نیست در اینجا به این سخن «الصیحی» استناد نمایم که می‌گوید: «متن تنها مجموعه‌ای از جملات پراکنده و بدون ارتباط با یکدیگر

نیست؛ بلکه ساختاری است که نظام داخلی آن بر پایه روابط منطقی، نحوی و دلالتی خاصی به هم پیوند خورده است» (شنوقه، ۲۰۰۸: ۷۷). بنابراین ساختارگرایی به رغم آنکه با فرمالیسم روسی و شاخه‌های فرعی آن نظیر مکتب پراگ و ساختارگرایی لهستانی پیوند تنگاتنگی دارد؛ اما به سبب تنوع آن و پتانسیل میان رشته‌ای بودنش از آن‌ها متمایز است و به منزله مرحله‌ای فراسوی انسان‌گرایی و پدیدارشناسی به بررسی روابط درونی‌ای می‌پردازد که زبان و تمام نظام‌های نمادین یا گفتمانی را می‌سازند و بر پایه این طرز تفکر، تعدادی ساختار ناپیدا و ناملموس، چارچوب اصلی پدیده‌های ظاهری اجتماع را تشکیل می‌دهند.

ساختارگرایی در تحلیل آثار ادبی، از امکانات زبان‌شناسی در زمینه ادبیات بهره می‌برد تا آنجا که گفته می‌شود: «زبان‌شناسی، مادر نظریه ادبی ساختارگرایی است» (اسکولز، ۱۳۷۹: ۲۹). این شیوه نقد ادبی در آثار ادبی در پی آن است تا برای آثار مورد بررسی، نمونه نظامی ادبی به عنوان مرجع بیرونی به دست دهد. رابطه میان عناصر یک اثر ادبی در ساختارگرایی حرف اول را می‌زند تا جایی که می‌توان گفت: ساختارگرایی بررسی رابطه هاست» (گرین و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۷۷).

در این کار پژوهشی سعی شده با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس رویکرد اندیشه‌های ساختارگرایان در تحلیل متن، دلالت‌های معنایی اجزاء و عناصر سوره مبارکه فیل بر هدف کلی این سوره مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد.

۱.۱ پرسش‌های پژوهش

پرسش‌هایی که این کار تحقیقی در صدد پاسخگویی به آن‌ها است عبارتند از:

- ۱) تحلیل ساختارگرایانه با سایر تحلیل‌های غیر ساختارگرایانه، به لحاظ تبیین گستره معنا و مفهوم متن چه تفاوتی دارد؟
- ۲) رویکرد کل نگر در فهم و دریافت معنای عمیق متن چه نقشی دارد و به چه اشکالی تجلی می‌یابد؟
- ۲) انسجام بین لفظ و معنا در ساختار کلی سوره فیل به چه صورت تحقق یافته است؟
- ۳) ارتباط بین سازه‌های تشکیل دهنده این سوره به چه صورت در تحقق دلالت معنای کلی مؤثر است؟

۲.۱ پیشینه پژوهش

بررسی ساختار آیات و سوره‌های قرآن از حوزه‌های مختلفی قابل بررسی است که یکی از آن‌ها بررسی تناسب آیات از نظر محتوایی، فرم و شکل سوره است. از این منظر مقالات متعددی به رشته تحریر در آمده است از جمله:

- حمید آریان (۱۳۸۵) در مقاله «زبان قرآن، ساختار و ویژگی‌ها» تلاش کرده است ضمن تبیین و بررسی زبان قرآن و ابزاری که کلام خدا، به وسیله آن با مخاطبین خود ارتباط برقرار می‌کند، ساختار منسجم و ویژگی‌های منحصر به فرد این متن را نیز معرفی نماید.

- و شهربانو حاجی امیری (۱۳۸۶) نگارنده پایان‌نامه «تحلیلی بر ساختار قرآن کریم و رابطه آن با اهداف قرآن» که پژوهش حاضر برای پاسخ دادن به شبهه درون ساختی نسبت به قرآن مبنی بر عدم انسجام مطالب در آن صورت گرفته است.

- یونس دهقانی فارسانی (۱۳۸۷) در مقاله «ساختار سوره انشقاق» پس از بررسی تناسب ساختار مضمونی سوره با سوره‌های مجاور، در بخشی از مقاله موضوع فواصل آیات را بررسی کرده است.

- هومن ناظمیان (۱۳۹۲) در مقاله «پیوند فرم و ساختار با محتوا در سوره مبارکه تکویر» به تحلیل فرم و ساختار در سوره تکویر و بررسی ارتباط آن با محتوای این سوره پرداخته است.

- آنجلیکا نیویورث (۱۳۹۳) در مقاله «شکل و ساختار قرآن» به بررسی زبان و سبک قرآن پرداخته است و بر همین اساس گونه‌های ادبی خاصی که در قرآن گرد آمده را به لحاظ محتوا بررسی می‌کند.

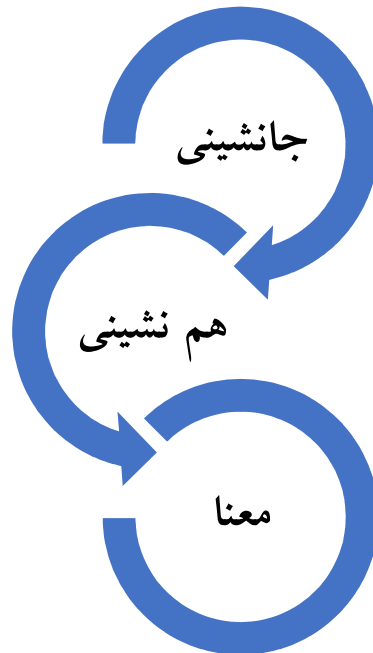
با توجه به اسناد علمی ارائه شده، باید گفت آنچه تمایز این کار تحقیقی از سایر پژوهش‌ها شده است این است که در این کار پژوهشی سعی شده است تا پس از معرفی اجمالی نظریه نقد ساختاری به تحلیل تطبیقی در سوره «فیل» پرداخته شود؛ سوره‌ای که تاکنون پژوهشی تحلیلی با محوریت مکتب ساختارگرایان در مورد آن صورت نگرفته است و محققان می‌کوشند تا با لایه برداری از سطوح مختلف این نوع تحلیل به تبیین معانی نانوشته موجود در آن بپردازند.

۲. بافت موقعیتی سوره مبارکه فیل

سوره فیل صد و پنجمین سوره قرآن و از سوره‌های مکی است که در آن خداوند به داستان حمله ابرهه به کعبه اشاره می‌کند. سپاهیان ابرهه به قصد تخریب کعبه معظمه حرکت کردند و خدای تعالی با فرستادن مرغ ابابیل که حامل کلوخهای سنگی بودند، آنان را هلاک و به صورت گوشت جویده شده شان کردند؛ و این قصه از آیات و معجزات بزرگ الهی است که کسی نمی‌تواند آن را انکار نماید. تاریخ‌نویسان آن را مسلم دانسته و شاعران بسیاری داستان فیل را یاد کرده و به رشته نظم درآورده‌اند. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۶۲۱/۲۰). مورخان آورده‌اند که این قصه مربوط به سالی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در آن تولد یافت؛ یعنی در حدود سال ۵۷۰ میلادی است. در کتب تاریخی مانند تاریخ ابن حیان نیز گفته شده که میلاد آن حضرت در همان روزی بود که خداوند پرندگان را بر اصحاب فیل نازل کرد (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۵، ص ۴۶۵).

۳. دریافت معنای سوره فیل با رویکرد ساختارگرایی

با خوانش این سوره مبارکه به این دریافت می‌رسیم که ساختار این سوره مکی رابطه‌ای همبسته با یکدیگر و با کل نظام دارند یعنی اجزاء به کل و کل به اجزاء سازنده وابسته‌اند، چنان که اختلال در عمل یک جزء موجب اختلال در کارکرد کل نظام می‌شود. در حقیقت می‌توان آن را به عنوان یک نظام کامل و یک کل درهم تنیده پذیرفت. با وجود این تحلیلگران و مفسران برای دریافت معنای حقیقی آن چاره‌ای جز آن ندارند که از سطح فرمالیستی محض و جمله محوری و ترکیبی (دالیات) عبور نمایند تا به متن (text) برسند. نگاه اندام‌وار داشتن به متن به محلل و تفسیرکننده متن این امکان را می‌دهد که همه پدیده‌ها و نشانه‌های متن را برای دریافت معنای واقعی و حقیقی در نظر بگیرد. توجه به یکی از پدیده‌ها و نشانه‌ها و مهمل نمودن دیگر نشانه‌ها موجب می‌آید که معنایی ناقص و ابتر از متن ارائه شود. دو نشانه عمده و اساسی این سوره مبارکه یکی «فیل» است و دیگری «طیرا ابابیل». بعد از مشخص کردن نشانه‌های موجود در متن باید پیوند و ارتباط میان الفاظ و واژگان بر اساس دو محور جانشینی (paradigmatiques) و همنشینی (syntagmatiques) مشخص گردد تا بتوانیم به معنای مطمئن نظر خالق متن دست یابیم:



۱.۳ محور جانشینی

محور جانشینی یکی از مهمترین راهکارهای تبیین کننده معنای کلام است. این که متکلم از بین واژگان متعددی که تا حد زیادی دارای دلالت معنایی یکسان هستند، یکی را برای القای مراد و مقصود خود انتخاب می‌کند، خود در برگیرنده معنایی پنهان است که خواننده را در دریافت معنای کلی متن کمک می‌کند؛ به عنوان نمونه ساختار استفهام جمله با ادوات مختلفی چون "أ" و "هل" بیان می‌شود؛ اما اینکه متکلم در یک ساختار از "أ" و در ساختار دیگر از "هل" استعمال می‌کند خود بیانگر یک دلالت معنایی خاص است که خواننده را در رسیدن به معنای کلی متن رهنمون می‌سازد.

اولین صوتی که از این سوره مبارکه به گوش می‌رسد؛ حرف استفهام «همزه» است. ﴿الْمُ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾ خداوند با انتخاب و گزینش حرف همزه مفتوحه که حرفی زنگ‌دار است قصد آن دارد تا شنوندگان و مخاطبین را به رخداد و حادثه سپاه ابرهه آگاه سازد و به تعجب وادارد. برای عظمت این حادثه و این رخداد تاریخی همین بس که عربها آن را مبدأ تاریخ قرار دادند و می‌گفتند: در «عام الفیل» چنین

تحلیل سوره فیل بر اساس اندیشه ساختارگرایان (روح الله صیادی نژاد و دیگران) ۳۷

اتفاقی افتاد و دو سال قبل از این سال فلان اتفاق (أحمد قبهها، ۲۰۱۱، ۱۰۶). خداوند دو مرتبه در آیه اول از ادوات استفهام (همزه و کیف) استفاده کرده است تا از این طریق تعجب و دهشت مخاطبین را برانگیزد. علاوه بر این، خداوند آیه دوم را نیز با «همزه استفهامی» آغاز می نماید. ﴿أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ﴾. طبرسی بر این باور است که برای دلالت بر حالت عجیب، کمال علم، قدرت، عزت خدا و شرف پیامبر، اسم استفهام «کیف» از میان اسم‌های متعدد استفهام انتخاب شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۲۴/۱۰) دو آیه آغازین این سوره در قالب جمله انشایی بیان شده است. طول فرکانس و موج جملات انشایی بیشتر از جملات خبری است. خداوند با به کارگیری همزه در آیه اول قصد تنبیه و آگاه‌سازی مخاطبین از این رخداد عظیم دارد و در آیه دوم، «همزه»، جنبه تقریری دارد تا بندگان را مطمئن سازد که کید و مکر «ابرهه» سرانجامی جز تباهی و نابودی ندارد.

خداوند در این سوره نه تنها از الفاظی استفاده می نماید که پیوندی تام با یکدیگر دارند؛ بلکه از آوایی استفاده می کند که نقش به سزایی در تصویر سازی این رخداد و حادثه دارد. نظم و توالی هجاها در این سوره احساسات خواننده را تحت تاثیر قرار می دهد و نخستین ضربه‌ها از طریق همین توالی هجاها بر نفس خواننده وارد می شود و او را وارد فضای حاکم بر این سوره می کند.

نتایج تقطیع صوتی^۱ در این سوره نشان می دهد که بسامد دو مقطع صوتی کوتاه باز و بسته‌باز بیشتر از دو نوع دیگر بوده است. این دو مقطع صوتی کشش صوتی کمتری نسبت به دو نوع دیگر و با نفس نفس زدن جنگجویان حاضر در عرصه نبرد تناسب و هماهنگی بیشتری دارد؛ گویی شدت و سختی حادثه و طاقت فرسایی آن با کاربرد این مقاطع به اوج خود رسیده و خود بازگوکننده معنای متن است. همچنین شروع ۴ آیه با مقطع صوتی کوتاه باز است؛ گویی این نوع تصویر هیجان و شورش حاکم بر بافت متن را در ساعات آغازین نبرد نشان می دهد و در پایان همه آیات با کاربرد مقطع کشیده بسته، فرط خستگی و جانفرسایی غیر در تقابل با جبهه حق ترسیم می کند.

یعنی فلانی با مناعت است. «فلان أرغم أنفه» یعنی فلانی پوزه‌اش را به خاک مالید. در اینجا با توجه به بافت زبانی به این دریافت می‌رسیم که خداوند با ارسال پرندگان و پرتاب گلوخ سفت شده، شکست سختی بر سپاهیان ابرهه تحمیل کرد.

آنجا که خداوند بخواهد برتری پرندگان را بر سپاهیان ابرهه به تصویر بکشد از مصوت کوتاه فتحه کمک می‌گیرد؛ به این آیه بنگرید: «﴿وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ﴾ ﴿۳﴾» در این آیه مبارکه خداوند ۱۱ بار از فتحه استفاده می‌نماید. تصویر فتحه در این آیه بیانگر حرکت آزادانه پرندگان است که به هر سویی که می‌خواستند حرکت می‌کردند و سنگهایی که با خود حمل می‌کردند بر روی سپاهیان ابرهه می‌انداختند. نکته‌ای که ذکر آن در اینجا ضرورت دارد این است که برخی از مفسرین از جمله "ابن کثیر" بر این باورند که در جریان سنگسار شدن اصحاب فیل، هر پرنده‌ای ۳ سنگ با خود حمل می‌کرد که دو سنگ در پاها و یک سنگ در منقار آنان بود (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۴۵۸/۸). آوای «جیم» که جزو حروف انفجاری و سایشی و جزو حروف متشدد است این معنا را به مخاطب منتقل می‌نماید. تکواژه «حجاره» دارای یک «جیم» و لفظ منحوت «سجیل» در بردارنده دو «جیم» است.

تکرار یک حرف در مجموع یک یا چند جمله، ضمن بخشیدن آوایی خاص، دارای بار معنایی برای عبارت‌ها بوده و ارتباط میان کلمات را نیز در ذهن تداعی می‌کند (الزوبعی، ۱۹۹۶: ۱۲۹). یکی از حروفی که بسامد استفاده از آن در این سوره زیاد است حرف «لام» است. حرف «لام»، ۱۲ بار در این سوره به خدمت گرفته شده است. «حرف لام حرفی است که هنگام تلفظ آن، زبان به سقف دهان و نزدیک لثه بالا می‌چسبد؛ از این رو در اکثر کلماتی که با حرف لام آغاز شده‌اند نوعی مفهوم چسبیدن دیده می‌شود» (حسن عباس، ۲۰۰۰، ۷۹) می‌توان گفت با انتخاب این واج صدای مهیب کوبیده شدن پاهای فیل‌ها بر زمین کاملاً احساس می‌شود؛ گویی در کنار همه جنبه‌های زیباشناختی و بلاغی، یک تصویر زیبای شنیداری بر کل فضای این سوره سایه افکنده و حضور لشکر ابرهه را بهتر ترسیم می‌کند. علاوه بر معنای الصاق و پیوستگی که در این حرف وجود دارد؛ بیانگر این معنا و مفهوم است که قدرت‌های مادی و لو مجهز به نیرومندترین مرکب‌ها و سلاح‌ها هم که باشند در برابر قدرت خدا، ناچیزند و خداوند قادر است آن‌ها در هر جایی که هستند بگیرد و مؤاخذه کند. (غرموسی، ۲۰۱۴: ۵۳). در واقع خداوند با تمرکز بر این حروف در این

سوره، به دو مطلب اساسی اشاره می‌کند که یکی اثبات سلطه و قدرت خدا در برابر غیر خدا و دیگری ظهور و بروز گشایش برای جبهه حق است. بررسی صنایع لفظی از دیگر مواردی است که در تحلیل آوایی متن بدان پرداخته می‌شود؛ از جمله جناس و سجع که از تشابه و تجانس مصوت‌ها و صامت‌ها حاصل می‌شود.

جدول شماره (۳): آمار صامت‌ها و مصوت‌ها

مصوت‌ها				صامت‌ها ۱۹
بلند ۵	کوتاه			
	أ ۴	ا ۱۴	آ ۳۸	

علاوه بر آواها، واژگان این سوره نیز نقش به‌سزایی در القای معنا و پیام دارند. واژگان سوره فیل در درون یک ساختار نظام‌مند قرار گرفته‌اند. چینش واژگان در این سوره به‌گونه‌ای است که سبب شده است بعد جمال شناسیک کلام در کنار وضوح معنا از برجستگی خاصی برخوردار شود. بی‌مناسبت نیست که در اینجا بر روی آیه نخستین این سوره درنگ نماییم آنجا که می‌گوید: ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾. خداوند از میان الفاظ و واژگان متعدد که در بردارنده بار معنایی «دیدن» است؛ نظیر «شاهد»، «نظر» و ... دست به انتخاب و اختیار لفظ «رأی» زده است. باید گفت: منظور از «رؤیت» معنای لغوی آن یعنی دیدن به چشم نیست؛ بلکه علمی است مانند احساس با حواس ظاهری. نوع استفهام در آیه، انکاری است و معنایش این است که مگر علم یقینی پیدا نکردی که چگونه پروردگارت با اصحاب فیل رفتار کرد. (طباطبائی، ۱۴۲۷ق: ۳۶۱/۲۰). «رؤیت» در اینجا استعاره از علمی است که به دلیل تواتر به سرحد یقین و قطع می‌رسد به گونه‌ای که گویی آن امر را دیده است (ابن عاشور، بی تا: ۳۰/۴۷۵). در تفسیرهای کنزالدقائق و روح‌المعانی نیز در مورد واژه «رؤیت» گفته شده که آنقدر شدت تواتر این خبر زیاد است که گویی آثار آن را دیده و مشاهده کرده گرچه در حقیقت آن را مشاهده نکرده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۴۶۴/۱۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۴۳۸/۱۴).

در این سوره برای بیان این که خداوند با اصحاب فیل چه کار کرده است از تکواژه «فَعَلَ» استفاده شده است؛ نه «عمل»؛ چرا که مدلول لفظ «فعل» نسبت به سایر الفاظ مثل «عمل» از شمولیت بیشتری برخوردار است تا قدرت خود را و ضعف اصحاب فیل را

تحلیل سوره فیل بر اساس اندیشه ساختارگرایان (روح الله صیادی نژاد و دیگران) ۴۱

بیشتر نشان دهد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰: ۸۲۴). و بلافاصله پس از آن، ذات خداوند با وصف (رب) به ضمیر «ک» که خطاب به پیامبر است اضافه می شود تا وجود پیامبر عظیم الشان اسلام که ولادتش در این روز اتفاق افتاده است تکریم گردد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۸۲۱). در این سوره برای به تصویر کشیدن صحنه رویایی حق و باطل از ظرفیتهای واژگانی زبانهای غیر عربی بهره گرفته شده است؛ به عنوان مثال به آیه ۴ این سوره چنین آمده است: ﴿

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ﴾ خداوند در این آیه برای بیان «کلوخ سختی» که پرندگان بر سر اصحاب فیل می ریختند از واژه «سجیل» استفاده می نماید. این واژه در اصل فارسی است که ترکیبی از «سنگ» و «جل» (گِل) است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۴/۵۴۰). لازم به ذکر است که واژه «سجیل» در داستان قوم «لوط» در سوره هود آنجا که می گوید: ﴿وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنْضُودٍ﴾ (هود/۸۲) و همچنین سوره حجر آمده است: ﴿فَجَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَآمَطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ﴾ (حجر/۷۴) با همسنجی این آیات در خواهیم یافت، سنگی که بر اصحاب فیل فرستاده شد از جنس سنگهایی بود که بر قوم لوط جهت عذاب آنان فرستاده شده بود؛ می باشد (ابن عاشور، بی تا: ۳۰/۴۸۴).

«فرستنده پیام» در این سوره برای تثبیت و گسترش مفهوم مورد نظر خویش در ذهن مخاطب از پدیده «تکرار» بهره می گیرد؛ تکرار ماده «ج ع ل» در دو فعل «يجعل و جعل» که با توجه به اینکه فاعل هر دو فعل خداست، جاعلیت غایی را به خدا نسبت می دهد، به عبارت دیگر همه نیروها و تجهیزات حتی قوی ترین و مدرنیته ترین آنها در مقابله با قدرت خدا ناچیزند و این علاوه بر اینکه قدرت خدا را تأکید می کند قدرت غیر خدا را نیز سلب می کند.

۲.۳ محور هم نشینی

در محور هم نشینی باید فراتر از گزینش های خاص، به شیوه چینش و ارتباط اجزاء کلام نیز دقت نمود تا از خلال آن معانی نانوشته کشف شود. در واقع باید گفت یکی از جنبه های مهم تحلیل ساختاری آثار ادبی، بررسی ساخت نحوی آنهاست که از آرایش خاص واژگان حاصل می شود. در این سطح که با بررسی ساخت نحوی اعم از شکل شناسی جمله ها به لحاظ خبری و انشائی بودن، دلالت زمانی خاص و عناصر بیانی و همچنین اجزای جمله

مانند اسم‌ها، فعل‌ها، قیدها و حتی حروف اضافه و ربط آغاز می‌شود (امامی، ۱۳۸۲: ۳۸)؛ پیوند واژه‌ها با یکدیگر نقد و تبیین شده و به ارتباط واژه‌ها با یکدیگر در سطح دستوری و نحوی پرداخته می‌شود (علوی مقدم، ۱۳۸۱: ۸۹).

۱.۲.۳ ریخت شناسی جملات

دو آیه نخستین این سوره استفهامی و از نوع جملات انشایی است. با توجه به اینکه مخاطب آیه وجود مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است، استفهام آن تقریری و دلالت بر اقرار و تأیید قدرت خدا در تمامی احوال دارد. کار بست جملات فعلیه سبب پویایی متن شده است. در تحلیل ساختاری متن و کشف معانی کلی و پنهان متن، یکی از موارد کلیدی و مهم، توجه به زمان افعال متن است. در این سوره از میان ۶ فعل به کار گرفته شده؛ ۵ فعل آن ماضی است و یک فعل مضارع. با توجه به وجود فاصله زمانی طولانی بین زمان وقوع حادثه و زمان روایت و تدوین، امکان شک و تردید در پذیرش آن از سوی مخاطب وجود دارد؛ لذا کاربرد حداکثری افعال به صورت ماضی، از قطعیت حادثه در نزد شنونده حکایت می‌کند. خالق متن برای آن که مخاطبین و شنوندگان حادثه را در زمان حال تخیل نمایند از فعل مضارع بهره برده است به عنوان مثال فعل «تَرْمِيهِمْ» به صیغه مضارع برای استحضار این حادثه در نزد مخاطب است (ابن عاشور، بی تا: ۴۸۴/۳۰).

۲.۲.۳ تقابلها و دوگانگی‌های متضاد سوره

یکی از مولفه‌های تحلیل متن برای وصول به معانی پنهان و ایدیولوژی حاکم بر متن، رصد نمودن تقابلها و دوگانگی‌های متقابل در متن است.

تقابل میان دو پدیده و نشانه اصلی متن یعنی «فیل» و «طیرا أبابیل» یکی بسیار قوی هیکل و بزرگ و دیگری دارای جثه‌ای کوچک پرده از این معنا برمی‌دارد که اگر خداوند اراده نماید موجودی خرد و کوچک، قادر به شکست موجودی پهن پیکر و قوی هیکل می‌باشند و صاحبانشان را همچون برگ کاه جویده شده در می‌آورند. خداوند برای ناچیز نشان دادن گروه تجاوزگر لفظ «فیل» را به صورت مفرد آورده است. در تفسیر «روض الجنان» آمده است که لفظ فیل لفظ واحدی است که بر جنس حمل می‌شود و همچنین

تحلیل سوره فیل بر اساس اندیشه ساختارگرایان (روح الله صیادی نژاد و دیگران) ۴۳

گفته شده که مراد آن که یک پیل بود که آن را «محمود» خواندند (رازی، ۱۴۰۸: ۴۱۲/۲۰). گفته پرداز برای نشان دادن کثرت پرندگان، واژه «الطیر» که جمع طائر و اسم جنس است؛ به خدمت گرفته است و برای آن صفت «أباییل» که جمع مکسر است می آورد تا قدرت خداوند در درهم شکستن پرندگان را نشان دهد.

از جمله تقابل و دوگانگی متضادی که در این سوره دیده می شود؛ تقابل میان «طیر» و «الفیل» است که اولی به صورت نکره و دومی به صورت معرفه آورده شده است. نکره آوردن واژه «طیر» دلالت بر نوعیت دارد؛ چرا که بیانگر گونه‌ای از پرندگان است که نزد عربان نا آشنا بودند (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۴۶۳/۱۵). و واژه فیل مزین به «ال» عهد است. گفته شده که سپاه ابرهه تنها یک فیل داشت و آن همان فیل ابرهه به نام «محمود» بود (ابن عاشور، بی تا: ۴۸۲/۳۰).

۳.۲.۳ عناصر بیانی

آرایه های ادبی سوره فیل موجب شده است که خواننده به لذت ادبی بیشتریایل آید و آرایه های ادبی موجود در سوره سبب شده است که خواننده برای دریافت معنا، روی متن مکث نماید. در ذیل به پاره ای از زیبای‌های بیانی سوره اشاره می شود:

در آیه ۲ چنین آمده است: (أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ) مراد از کید آنان سوء قصدی است که درباره مکه داشتند و می‌خواستند بیت‌الله‌الحرام را تخریب کنند. خداوند کید آنان را در تضلیل قرار داد به این معناست که نقشه آنان را نقش بر آب ساخت و زحماتشان را برای نابودی کعبه هدر داد. آنها راه افتادند تا کعبه را ویران کنند، ولی در نتیجه تضلیل الهی، خودشان هلاک شدند (طباطبائی، ۱۴۲۷: ۳۶۵/۲۰). حرف «فی» در این آیه استعاره از «مصاحبت شدید است» (ابن عاشور، بی تا: ۴۷۶/۳۰) حرف جر «فی» در این آیه به دلیل همراهی با مصدر «تضلیل» بیانگر شدت گمراهی و ضلالت این افراد است که در ظرف گمراهی غوطه ور شدند. این معنا از خود معنای ضلالت بلیغ تر و شیواتر است.

در آیه ۵ ﴿فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّاكُولٍ﴾ کلمه "عصف" به معنای برگ زراعت است و "عصف ماکول" به معنای برگ زراعتی - مثلاً گندم - است که دانه‌هایش را خورده باشند و نیز به معنای پوست زراعتی است مانند غلاف نخود و لوبیا، که دانه‌اش را خورده باشند و منظور آیه این است که اصحاب فیل بعد از هدف گیری مرغان ابابیل به صورت جسدهایی

بی‌روح در آمدند (طباطبائی، ۱۴۲۷: ۳۶۸/۲۰). خداوند عاقبت لشکریان و سپاهیان ابرهه را به دانه های خورده شده تشبیه نموده است و با این تصویر بیانی زیبا این پیام را به مخاطبین منتقل نموده است:

همانطور که ارزش دانه به مغز و درونمایه آن است نه به پوسته و ظاهر آن، سرانجام این لشکر باهیت و با شکوه ظاهر که قصد دشمنی با خدا و تخریب کعبه را داشتند نیز تجرید جسم آنان از روح آنان است.

۴. نتیجه گیری

- سوره فیل با یادآوری داستان اصحاب فیل و در هم کوبیدن آن‌ها به دلیل انکار آیات الهی و نادیده گرفتن هشدارها به انذار تمام کسانی می پردازد که قصد دشمنی و مخالفت با خدا را دارند. قدرت خداوند و شکست این قوم در هر کدام از سطوح ساختاری (آوایی، واژگانی و نحوی) سوره فیل نمود پیدا کرده است. به این صورت که در سطح آوایی حرکات کشیده به امتداد و استمرار هشدارها در طول تاریخ اشاره دارد و این که همواره دو گروه حق و باطل در تقابل هم قرار دارند. شیوه کاریست حرکات، مصوتها، صامتها و نحوه هم آیی آن‌ها در هر آیه گرچه از یک نظم خاص تبعیت می کند ولی در هر آیه متمایز از دیگری است؛ به عبارت دیگر بسامد کاریست حرکات فتحه، حروف مجهوره با صفت استعلا در آیاتی که بیانگر واکنش خداوند در مقابل لشکر ابرهه است به وضوح نمایان است که همه این عناصر با هم در جهت اثبات قدرت الهی دلالت دارند و در مقابل بسامد کاریست حرکات کسره، حروف خفیفه با صفت استفال در آیاتی که عملکرد دشمنی لشکر ابرهه را توصیف می کند به خوبی قابل مشاهده است که این نیز بر جنبه انکسار و شکست حتمی آنان دلالت دارد؛ معنایی که برآمده از کل اجزاء به کارگرفته در سوره است و به جزء خاصی اختصاص ندارد.

- در ساختار کلی، بین لفظ و معنای سوره فیل هماهنگی وجود دارد و ارتباط بین سازه‌های تشکیل دهنده این سوره در دو محور جانشینی و هم‌نشینی قابل مشاهده است. گزینش آوا، هجا، واژه و گزاره خاص از بین موارد متعددی که به ظاهر صلاحیت جایگزینی در بافت و سیاق را دارد و همچنین شیوه خاص ترکیب،

تحلیل سوره فیل بر اساس اندیشه ساختارگرایان (روح الله صیادی نژاد و دیگران) ۴۵

چیدمان و تنظیم اجزاء با یکدیگر بیهوده و عبث نبوده و حاکی از یک معنای خاص است؛ معنایی که تاکنون در میان منابع غنی تفسیر قدیم کمتر بدان اشاره شده است و همسو با هدف کلی سوره است. مثلاً استعمال غالبی استفهام از میان انواع کلام در این سوره نشان دهنده تحریک قوه عاقله مخاطب و به تفکر وادار کردن وی نسبت به مسیری است که در زندگی در پیش گرفته است. در این جا سخن از صدق و کذب نیست بلکه خدا با علم به اختیار و اراده انسان، راه را بر وی باز گذاشته و با یک استرجاع یا فلش بک (Flash Back) قصد ارشاد و راهنمایی مخاطبان خود را دارد چیزی که با قالب‌های نحوی دیگر قابل انتقال نیست و یا خدا در تقابل خود با دیگری به طور مستقیم ادعای قدرت و غلبه و ظفر نکرده بلکه از طریق بکارگیری آواها و هجاهای خاص مانند حرکت فتحه و دو حرف پر بسامد «ل» و «ف» به مخاطب مژده فتح و پیروزی داده است.

- تمام واحدهای سازنده یک متن در انتقال معنای کلی آن نقش دارند و برخلاف تفکر مکاتبی که تنها معنا را برآمده از ذات الفاظ می‌دانند باید گفت این سپهر نشانه‌ای بر تمام مدلول‌های سخن پرتو افکننده به گونه‌ای که هیچ جزئی از سخن را نمی‌توان یافت که بدون معنا باشد و همه با هم و به صورت منسجم و منظم در خدمت معنای کلی متن هستند.

پی‌نوشت

۱. مقطع آوایی به قسمتی از واژه یا مجموعه‌ای از آواها اطلاق می‌شود که با یک دم زدن بی‌فاصله و بدون قطع، ادا می‌شود؛ به دیگر بیان یک مجموعه آوایی است که با صامت آغاز شده و به دنبالش آن مصوت آمده و تا پایان کلمه ادامه دارد که گاه به مصوت ختم می‌شود (انیس، ۲۰۱۳: ۱۵۰)

کتاب‌نامه

قرآن کریم
آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، الطبعة الأولى.

الموسى، انور عبد الحميد (۲۰۱۰م)، علم النفس الادبى (منهج سيكولوجى) فى قراءة الاعماق، بيروت، دار النهضة العربية.

ابن كثير، اسماعيل بن عمر (۱۴۱۹ق)، تفسير القرآن العظيم، بيروت، دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بى تا)، التحرير و التنوير، بى جا.

امامى، نصرالله (۱۳۸۲). ساخت گرایى و نقد ساختارى، اهواز، نشر رسش، چاپ اول.

جهاننگلو، رامین (۱۳۸۴)، موج چهارم، ترجمه منصور گودرزى، تهران، نشر نى، چاپ چهارم.

رابرت اسکولز (۱۳۷۹)، در آمدى بر ساختار گرایى در ادبيات، ترجمه: فرزانه طاهرى، تهران، نشر آگاه.

الرازى، محمد بن عمر (۱۴۰۸ق)، التفسير الكبير، بيروت، دار احياء التراث العربى.

الزوبعى، محمد اسماعيل (۱۹۹۶م). من اساليب التعبير القرآنى، بيروت: دار النهضة العربية للطباعة و النشر، الطبعة الاولى.

سامرائى، فاضل صالح (۱۴۱۷م). بلاغة الكلمة فى التعبير القرآنى، بغداد: مكتبة النهضة، الطبعة الثانية.

شنوقه، السعيد (۲۰۰۸). مدخل الى المدارس اللسانية، قاهرة، دار السلام الحديثة، الطبعة الاولى.

طباطبائى، سيد محمد حسين (۱۴۱۷ق)، الميزان فى تفسير القرآن، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

طباطبائى، سيد محمد رضا (۱۳۹۵)، قم، انتشارات دارالعلم.

طبرسى، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، تفسير جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

.....، تفسير مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

عباس، حسن (۱۹۹۸). خصائص الحروف العربية و معانيها. دمشق: اتحاد الكتاب العرب.

علوى مقدم، مهيار (۱۳۷۷)، نظريه هاى نقد ادبى معاصر صورتگرایی و ساختار گرایی، تهران، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انسانی.

علوى مقدم، مهيار (۱۳۸۱). نظريه هاى نقد ادبى معاصر. تهران: سمت. چاپ دوم.

غرموسى، عبد المعطى (۲۰۱۴م). الاصوات العربية المتحوّلة و علاقاتها بالمعنى، الطبعة الاولى.

قمى مشهدى، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ش)، تفسير كنز الدقائق و بحر العجائب، تهران، تهران، نشر وزارت ارشاد اسلامى.

كوبرن، ويليام (۱۳۹۰)، ساختارگرایی برای معلمان علوم، تهران.

گرين، ويلفرد و ديگران (۱۳۸۵). مبانى نقد ادبى. ترجمه فرزانه طاهرى. تهران: نيلوفر. چاپ چهارم.

تحلیل سوره فیل بر اساس اندیشه ساختارگرایان (روح الله صیادی نژاد و دیگران) ۴۷

مرزبان، علی حسن (۱۳۹۴ه). در آمدی بر معنی شناسی در زبان عربی، ترجمه: فرشید، ترکاشوند، قم، مهر قم.

نبوی، محمد و مهاجر، مهران (۱۳۸۴)، دانشنامه نظریه های ادبی معاصر، تهران، انتشارات آگاه.
نمر موسی، عبد المعطی (۲۰۱۴م)، الاصوات العربیة المتحوّلة و علاقتها بالمعنی، دار مکتبة الکندی للنشر و التوزیع.